



نفی دعوت اسلام و قرآن، نفی انسانیت، نفی عدالت، نفی وحدت و نفی رحم و انصاف و نفی مساوات است. جنگ و قتال هم برای دفاع از این اصول و ضعفاء و رفع مستکبران لازم، مشروع و انسانی است.

به کدام‌یک از نواهی اسلام اعتراض دارید؛ به حرمت خیانت در امانت، به حرمت دروغ، به حرمت ظلم، به حرمت زنا و فحشاء، به حرمت ربا، به حرمت غصب، به حرمت رشوه؟!

به کدام‌یک از اوامر اسلام ایراد می‌کنید؛ به وجوب نماز و عبادت خدا، به صداقت، به امانت، به رعایت عدالت، به رعایت قانون، به اخوت و برادری و به مکارم اخلاق و...؟!

قرآن کتاب خداست و تا دنیا هست، قرآن باقی است و هدایت‌های آن، مقبول عقلاء و همه ملل و امم است. نوابغ عقل و علم که پس از اسلام در داخل این دین پرورش یافتند و قله‌های بلند علم و دانش را فتح کردند و اسلام و اینکه از امت به اسلام و اینکه از امت محمد ﷺ باشند افتخار می‌کنند.

یگانه مکتب استکبارستیز، استحقاربرانداز، عدالت‌پایگاه و مکتب ایثار و برادری همگانی اسلام، قرآن و تعالیم محمد ﷺ است.

علم و اخلاق نمونه و ممتاز شد.

کسی نیست از این مسعود انصاری مجهول‌الهویه یا معلوم‌الهویه سؤال کند: نسبت جنگ‌جویی و جنگ‌طلبی به دینی که با همه عوامل جنگ و نزاع و نفاق مبارزه داشته و دارد، چگونه مطرح‌کردنی است؟!

مواضع پیغمبر اکرم ﷺ را که همه برای تأمین امنیت، خیر و اصلاح بشر لازم است و ضرورت دارد، به گرایش به قتل و غارت تفسیرکردن، خطایی است که بر کسی پوشیده نیست. این همه نقاط کمال، اصلاح و خیر را در دعوت اسلام، سیره پیغمبر اسلام ﷺ و آیات قرآن فراموش می‌کنید؟!

چرا از حق اسلام به بانوان از منع پیغمبر اسلام از «وَادِ بَنَاتٍ» و زنده به‌گورکردن دختران که مثل

عمر بن خطاب در جاهلیت شش دختر خود را زنده به‌گور کرد، حرفی نمی‌زنید؟!

چرا از آیات قرآن مجید مثل «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ أَلَّا تَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ»، «إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرٍ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»، «اغْدُلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»، «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»، «لَا تُظَاهِمِينَ الْعَظِيظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»، «الضُّلُوعُ خَيْرٌ»، «وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و صدها پیام انسانی که تا

امروز همه دنیا را مخاطب قرار می‌دهد، سخنی نمی‌گویید؟!

الحمدلله روز به روز ارکان مترقی و دعوت انسانی آن، بیش از پیش مطرح می‌گردد و اسلام، خود با هویت خودش، نگهبان و حافظ خود است.

یگانه مکتب استکبارستیز، استحقاربرانداز، عدالت‌پایگاه و مکتب ایثار و برادری همگانی، اسلام، قرآن و تعالیم محمد ﷺ است.

نام محمّد ﷺ جاودان است و یگانه نامی است که هر روز میلیاردها بار بر زبان‌ها تکرار و به عظمت یاد می‌شود. این اوراق پاره، جز افشای نیت پلید نویسندگان آنها اثری ندارد والحمدلله رب العالمین.



پاسخ متقن

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رَضِیَ اللّهُ عَنْهُ

به نامه‌ای از آمریکا

درباره عظمت اسلام و پیامبر ﷺ

آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رَضِیَ اللّهُ عَنْهُ، در پاسخ به نامه یکی از ایرانیان مقیم آمریکا- که از هتک حرمت اسلام به‌دست فردی خداناباور و مزدور محافل مسیحی شکایت کرده بود- موضعی روشنگر و استوار اتخاذ نمودند.

آن نویسنده، با اشاره به تألیف کتاب‌های متعدد از سوی آن فرد، ابراز نگرانی کرده بود که چنین اقداماتی با هدف فریب هم‌وطنان و دوساختن مسلمانان از دین حق اسلام صورت می‌گیرد و از مرجع‌عالی‌قدر خواسته بود تا پاسخی قاطع و روشنگرانه ارائه دهند.

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رَضِیَ اللّهُ عَنْهُ در بخشی از اثر ارزشمند خود، سفرنامه «ارمغان مشهد»، به‌تفصیل به این پرسش پرداخته و ضمن تبیین حقیقت اسلام و رسالت علمای دین در پاسداری از ایمان مردم، پاسخ مستدل و اثرگذاری را بیان داشته‌اند که شرح آن در ادامه آمده است.

- سؤال:** این بنده مسلمان خداوند تبارک

و تعالی به‌عنوان یک وظیفه دینی به پیشگاه محترم حضرت مستطاب آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی با نهایت احترام معروض می‌دارد، در این کشوری (آمریکا) که این بنده ناچار به زندگی شده‌ام، یک خدانشناس زندق و نامسلمان به سر می‌برد که این فرد لامذهب و نامسلمان چندین کتاب درباره خارج‌کردن هم‌میهنان مسلمان ما از دین برحق اسلام با پول‌هایی که انجمن‌های مسیحی به او می‌پردازند، نوشته و فقط خدا می‌داند تا چه اندازه به دین مبین اسلام و قرآن کریم بی‌احترامی و اهانت کرده و مدّت ۳۰ سال است، از تلویزیون و رادیوهای فارسی‌زبان مزدور به همه شنوئات مقدس ما مسلمانان توهین و اهانت می‌کند و مردم مسلمان را گمراه می‌کند.

حضرت آیت‌الله، من در راستای وظیفه دینی یکی از کتاب‌هایی را که او در اهانت و توهین به اسلام نوشته، به ضمیمه این نامه محضر عالی تقدیم می‌دارم.

• پاسخ: از عجایب روزگار ما و شگفت‌انگیزترین نوشته‌ها اوراقی هست که به‌نام «روان‌شناسی محمد» به‌نام واقعی یا مستعار مسعود انصاری در آمریکا به زبان انگلیسی منتشر شده است و بعضی از مؤمنین برای حقیر فرستاده‌اند که در تاریخ رذنویسی و انتقاد به مکتب‌های گوناگون از این رذیه سست‌تر وجود ندارد.

به اسم روان‌شناسی، دعوت بزرگ و فراگیر اسلام و زندگی شخص رسول اکرم ﷺ را به‌گمان خود زیر سؤال برده است، به همه انبیاء علیهم السلام و رزیده و معجزات آنها را به استهزاء گرفته است. در همه‌جا همه چیز را بر عکس معنی و تفسیر کرده است: نور را ظلمت گرفته و ظلمت را نور شمرده، عدل را ظلم و ظلم را عدل، حق را باطل و باطل را حق و راست را دروغ و دروغ را راست انگاشته است.

تمام این حرکت بزرگ تاریخ و سازنده جهان نوین و اصول اساسی انسانی که تا آن زمان مجهول یا ناگفته مانده بود و نیز این اعلامیه‌های

■ ویژه‌نامه شیخ‌الفقها | ۱۶

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رَضِیَ اللّهُ عَنْهُ در آئینه خاطرات

حکایت آغاز تحریم تنباکو و نقش علمای اصفهان

آیت‌الله صافی رَضِیَ اللّهُ عَنْهُ از والد مکرم‌شان، آیت‌الله آخوند ملا محمدجواد صافی رَضِیَ اللّهُ عَنْهُ نقل می‌فرمودند که میداد و منشأ تحریم تنباکو، توسط حضرات علمای بزرگ اصفهان، یعنی آقایان مسجد شاهی و آقاجنقی، به همراه برادر ایشان، مرحوم ثقه‌الاسلام، پایه‌گذاری شد.

ایشان (آخوند ملا محمدجواد صافی) می‌فرمودند: ابتدا آیت‌الله شیخ محمدعلی ثقه‌الاسلام، تنباکو را تحریم کردند. هنگامی که ظل‌السلطان از این حکم مطلع شد، ایشان را احضار کرده و به‌شدت تهدید نمود که باید حکم تحریم را لغو نمایند.

آخوند ملا محمدجواد صافی ادامه دادند که در همان روز، بنده که در خدمت استاد خود، آیت‌الله آقاجنقی بودم، در مسیر به مرحوم ثقه‌الاسلام برخوردیم که از مجلس تهدید ظل‌السلطان خارج شده بودند و آثار ناراحتی عمیق از چهره‌شان هویدا بود. آیت‌الله آقاجنقی علت را جویا شدند؛ مرحوم ثقه‌الاسلام با تأسف فراوان پاسخ دادند که: «همه‌اش تهدید، همه‌اش اهانت، همه‌اش توهین!»

فردای آن روز، مرحوم آیت‌الله آقاجنقی بر منبر رفته و تحریم تنباکو را رسماً اعلام کردند. این اقدام منجر به صدور حکم تبعید از سوی ظل‌السلطان برای هر دوی این برادران بزرگوار (ثقه‌الاسلام و آقاجنقی) گردید. در همین برهه زمانی بود که حکم تحریم میرزای بزرگ نیز رسید و درباره ظل‌السلطان را وادار ساخت که حکم تبعید این دو برادر را به‌کلی لغو نماید.

حکم فقیه شیعه به درخواست پلیس مکه

مرحوم شیخ‌الفقها که همواره بر اخلاق نیکو و مدارا با مردم تأکید داشتند. نقل می‌فرمودند:

در سفری به مکه مکرمه، محل اسکان ما تا مسجدالحرام قدری فاصله داشت. در میانه مسیر، ساختمان اداره‌کل شرطه قرار گرفته بود و مأموران آنجا گاهی بیرون می‌آمدند، بر روی نیمکت‌هایی می‌نشستند و با برخی از رؤسای خود گفت‌وگو می‌کردند.

من که همیشه با لباس روحانیت در همان مسیر رفت‌وآمد داشتم، هر روز هنگام عبور، به آنان سلام می‌کردم. روزی که طبق معمول سلام کردم، مسئول آن‌ها برخاست و پاسخ داد و تعارف کرد که کنارشان بنشینم. بالاخره ما نشستیم. از او پرسیدم: «اهل کجا هستید؟» گفت: «اهل نجرانم.» در این هنگام، ماجرای مباحله پیامبر اکرم ﷺ با نصاری نجران را برایش بازگو کردم. برایش بسیار جالب بود؛ با آنکه وهابی بود، این سخن در نفشش اثر گذاشت.

روزی دیگر همان مأموران نزد من آمدند و گفتند: «مأمورکل شما را احضار کرده است.» هنگامی که رفتم، دیدم دو نفر را نیز آورده‌اند: یکی ایرانی و دیگری از اهل مکه که در معامله‌ای میان‌شان اختلافی پیش آمده بود. ایشان را نزد رئیس شرطه برده بودند و او دستور داده بود که هر دو را نزد من بیاورند و گفته بود:

«هر حکمی که ایشان صادر کنند، همان اجرا خواهد شد.»

ادامه از صفحه قبل

اگر در سرزمین‌های اسلامی، سکوتی نسبت به مسائل محوری جهان اسلام دیده می‌شود، همه به عملکرد سران آنجا باز می‌گردد؛ وگرنه ملل مسلمان در قبال مقدسات خود اهل سکوت نیستند.

حل قضیه فلسطین را در اقتدا و پیروی از مکتب حسینی است. مسئله فلسطین، مسئله امام حسین رَضِیَ اللّهُ عَنْهُ است و فلسطینیها اگر بخواهند موفق شوند، باید از قیام اباعبدالله الحسین رَضِیَ اللّهُ عَنْهُ درس بگیرند.

مکتب امام حسین رَضِیَ اللّهُ عَنْهُ دانشگاه فراگیری است که تمامی اقشار مختلف جامعه، از یک مرجع تقلید تا یک روستایی شاگرد آن هستند.»

«جنایت رژیم صهیونیستی در غزه نتیجه سکوت بعضی سران کشورهای اسلامی است. اگر همه مسلمانان جهان با هم متحد شوند، مسئله فلسطین به‌راحتی حل خواهد شد.

روز به روز رژیم صهیونیستی با انجام جنایت‌های مختلف، قساوت قلبی و وحشی‌گری خود را به نمایش می‌گذارد. این جنایت اوج وحشی‌گری و خبائت رژیم صهیونیستی را به جهانیان نشان داد؛ لذا کسانی که امروز در صحنه‌های بین‌المللی از رژیم صهیونیستی حمایت و پشتیبانی می‌کنند و نمی‌گذارند، مردم دنیا آنها را سرجای‌شان بنشانند، اینان نیز خود در جنایات رژیم صهیونیستی شریک هستند.

این رژیم جنایت‌کار از سالیان پیش به چنین جنایت‌هایی دست می‌زد و از همان زمان برنامه ظلم و ستم‌شان نسبت به مظلومان وجود داشته و هم‌اینک نیز ادامه دارد.

خوشبختانه ملت‌های مسلمان در طول تاریخ با حرکت‌های مردمی خود، این جنایت‌ها را محکوم کرده‌اند؛ اما سران بعضی از دول اسلامی که خودفروخته و مزدور هستند، در این